

The approach of religious education based on the management of trends; Religious education in the thought of Hujjat-al- Islam wa -al- Muslimin panahyan.

Seyed Yaser Hosseini*

Mohamad Davoodi**

Mahmood Nowzari***

Abstract

Education and training based on the management of inclinations is one of the new approaches in religious education, the main solution of which is jihad with the soul and its main goal is to increase the ability of educators to manage inclinations. The following article aims to examine this approach to religious education in the ideas of Hujjat al-Islam and Muslimeen Panahian. The explanation of this approach begins with the pathology of the current state of education in the country and the focal point of religious education and leads to a revision of the concept of religious education. In this article, using the qualitative analysis method, the general framework of this approach is introduced, including the characteristics of religious education based on the management of desires, foundations, goals, content, presentation methods, educational environment, and stages of religious education. In this approach, the goal of religious education is to provide a program for managing tendencies and empowering the teacher to oppose the lovable. Informing the teacher about all kinds of tendencies and providing exercises to increase the strength of opposition to the air of the breath is one of the characteristics of the content, methods and educational atmosphere of this approach. In the stages of religious education, in the first period, the focus is on recognizing desires, and the second period is followed based on paying attention to deeper and hidden desires.

Key Words: The trends management approach, Religious education, Panahyan, foundations, principles, goals & methods.

* Ph.D. student, Sayer, Head of Afaf Specialized Desk, Islamic Propaganda Office, Qom Seminary
(Responsible Author), hyas58@yahoo.com.

** Associate Professor, Educational Sciences, Research Institute of Behavioral Sciences, Research Center and University, Qom, Iran, mdavoudi@hawzeh.ac.ir

*** Associate Professor, Educational Sciences, Research Institute of Behavioral Sciences, Research Center and University, Qom, Iran, mnowzari@rihu.ac.ir

رویکرد تربیت دینی بر پایه مدیریت تمایلات؛ تربیت دینی در اندیشه حجت الإسلام والمسلمین پناهیان

سید یاسر حسینی*

محمد داودی**

محمود نوذری***

چکیده

تعلیم و تربیت مبتنی بر مدیریت تمایلات یکی از رویکردهای جدید در تربیت دینی است که راهکار اصلی آن جهاد با نفس و هدف اساسی آن افزایش توانایی متریان در مدیریت گرایش‌هاست. مقاله پیش‌رو در صدد است این رویکرد به تربیت دینی را در اندیشه‌های پناهیان بررسی کند. تبیین این رویکرد با آسیب‌شناسی وضعیت موجود تعلیم و تربیت کشور و با نقطه کانونی تربیت دینی آغاز می‌گردد و به بازنگری در مفهوم‌شناسی تربیت دینی منجر می‌شود و با استفاده از روش تحلیل کیفی، چارچوب کلی این رویکرد شامل ویژگی‌های تربیت دینی بر پایه مدیریت تمایلات، مبانی، اهداف، محتوا، روش‌های ارائه، فضای آموزشی و مراحل تربیت دینی معرفی می‌شود. در این رویکرد هدف تربیت دینی ارائه برنامه‌ای برای مدیریت تمایلات و توانمندسازی متربی در راستای مخالفت با دوست داشتنی‌هاست. آگاه ساختن متربی از انواع تمایلات و ارائه تمرین‌هایی برای افزایش قدرت مخالفت با هوای نفس از ویژگی‌های محتوا، روش‌ها و فضای تربیتی در این رویکرد است. در مراحل تربیت دینی، در دوره اول تمرکز بر شناخت تمایلات است و در دوره دوم تمرکز بر توجه دادن به تمایلات عمیق‌تر و پنهان‌تر است.

واژگان کلیدی: رویکرد مدیریت تمایلات، تربیت دینی، پناهیان، مبانی، اهداف و روش‌ها

* دانشجوی دکترا، سایر، رئیس میز تخصصی عفاف دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

hyas58@yahoo.com

** دانشیار، علوم تربیتی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران mdavoudi@hawzeh.ac.ir

*** دانشیار، علوم تربیتی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران mnowzari@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

مقدمه: رویکردها و اندیشه‌ها در تربیت دینی

تفاوت دیدگاه‌ها و گوناگونی نگرش‌ها از تعریف مفاهیم تا تحلیل مسائل باعث پدیدار شدن نظریات مختلف و دیدگاه‌های متنوع می‌شود و با تکثر نظریات فضای مباحثه و مناظره بالا می‌گیرد و بازار نقض و ابرام رونق می‌یابد. این رویارویی فکری باعث رشد علمی جامعه می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و تقویت دانش تربیت دینی و تحقق اهداف آن در جامعه باشد. این زمینه‌سازی زمانی میسر می‌گردد که نظرورزی به عمل ورزی بینجامد. بدین معنا که نظریه‌های تربیت دینی در فضای خلأ تولید نشوند و قابلیت کاربردی شدن را داشته باشد. یکی از مقدمات و گام‌های اساسی برای تولید نظریه تربیت دینی، بررسی دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی است که با هدف تولید نظریه ارائه شده‌اند. چراکه نظریه جدید، بایستی در بستر پیشینه خود بنا شود و لازم است نوع ارتباط آن با میراث فکریش روشن باشد.

اندیشه‌های تربیت دینی مجموعه‌ای است از آراء و دیدگاه‌هایی که به نیازهای علمی جوامع در حوزه دین‌داری می‌پردازد. این اندیشه‌ها برپایه منابع دینی و با به‌کارگیری یافته‌های علوم موجود، به دنبال تولید راهکارهای افزایش سطح دین‌داری متریبان هستند. در این پژوهش اندیشه‌های تربیت دینی به‌عنوان زیرمجموعه تربیت اسلامی، رشته‌ای از دیدگاه‌های علمی تلقی می‌گردد که به دنبال شناسایی و حل نیازهای جامعه اسلامی در تربیت دینی و دین‌داری است.

دیدگاه‌های اندیشمندانی که در تعلیم و تربیت و تربیت دینی نظریه‌پردازی کرده‌اند، معاصر باشند یا نباشند، از جهت منابع مورد استفاده و یا روش تولید نظریه در یکی از این رویکردها جای می‌گیرند: رویکرد نقلی، رویکرد عرفانی، رویکرد فلسفی، رویکرد علوم انسانی - اجتماعی، رویکرد عمل‌ورزانه، رویکرد تلفیقی و رویکرد جدید. رویکردهای جدید نوعی از دیدگاه‌هایی است که در سال‌های اخیر، شکل گرفته است. این رویکردها محصول اندیشه صاحب‌نظرانی است که با توجه به نیازهای جدیدی که در جامعه ظهور کرده، نظام تعلیم و تربیت و تربیت دینی کشور را برای پاسخ‌گویی به این نیازها ناکارآمد می‌دانند و در تکاپوی ارائه راهکارهای مناسب هستند.

صاحب‌نظران در رویکردهای جدید، از لایه مبانی اندیشه‌های تربیت دینی فاصله گرفته و بیشتر به لایه مسائل آن می‌پردازند. آنچه صاحبان این رویکرد را از رویکرد عمل‌ورزانه متمایز می‌سازد این است که این افراد فعالان مراکز تربیتی و عمل‌ورزان عرصه تربیت دینی نیستند، بلکه نخبگان علمی و فرهنگی هستند که برای پاسخ به مسائل و کاستی‌های موجود نظام تربیت دینی، اندیشه‌های خود را مطرح می‌کنند. به عبارت دیگر نظرورزی این افراد ناظر به عمل‌ورزی است و برای افزایش سطح دین‌داری و کارآمدی تربیت دینی شکل می‌گیرد.

براساس آنچه بیان شد این مقاله در صدد است با بررسی گفتارهای پناهیان در موضوع تربیت دینی، عناصر این دیدگاه را سامان داده و به عنوان یکی از رویکردهای جدید به تربیت دینی ارائه کند، تا علاوه بر آگاهی صاحب نظران و علاقه مندان تعلیم و تربیت، زمینه بررسی و نقد آن فراهم گردد. پناهیان در برخی از سخنرانی‌های عمومی و در سلسله برنامه‌های سمت خدا به موضوع تربیت دینی پرداخته است. برخی از موضوعاتی که او در در این جلسات مورد بحث قرار داده است، عبارتند از «تأملی در معنا مفهوم تربیت دینی»، «تفاوت‌های تربیت دینی و غیردینی»، «اقدام‌های اولیه در انتقال مفاهیم دینی»، «معرفی ویژگی‌های تربیت دینی»، «بعد عقلانی و انتقال مفاهیم دینی»، «نقش علم و آگاهی در انتقال مفاهیم دینی»، «محبت روش تربیتی خدا»، «اهداف تربیت دوران کودکی با نگاهی به نقش خانواده و مهدکودک» و «تنها مسیر؛ راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی».

آنچه اندیشه این خطیب مشهور در تعلیم و تربیت و تربیت دینی را قابل توجه ساخته، کاربردی ساختن آن در میدان عمل است. بسیاری از این دیدگاه‌ها در جمع مربیان و معلمان مجموعه‌های آموزشی و تربیتی ارائه شده است. همچنین مدارس هم‌چون دبستان صادر در قم محور فعالیت‌های آموزشی و تربیتی خود را اندیشه‌های پناهیان قرار داده‌اند. جریان این اندیشه و کاربرد آن در فضای تعلیم و تربیت، تجارب مختلفی را برای مربیان و والدین به دست داده و می‌رود تا زمینه شکل‌گیری یک گفتمان در جو علمی تعلیم و تربیت را شکل دهد. این جایگاه، شایستگی بررسی علمی این رویکرد را برجسته و قابل اهمیت می‌نماید. ادامه نوشتار تلاشی است برای معرفی این رویکرد.

در نگاهی کلی رویکرد مدیریت تمایلات با تقسیم‌گرایش‌های انسان به دو دسته سطحی و عمیق، اصالت را به گرایش‌های عمیق می‌دهد. تربیت دینی سازوکاری است برای افزایش توان مرتبی در مدیریت تمایلات و حرکت از تمایلات، سطحی و ظاهری به سوی تمایلات عمیق و پنهان.

روش پژوهش

در این پژوهش روش تحلیل محتوای کیفی که نوعی روش‌شناسی تحقیق در خدمت تفسیر محتوایی داده‌هاست (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱) به کار گرفته شده تا فرایند نظام مند شناسایی، طبقه‌بندی، تبیین، تفسیر، استنباط و استخراج مفاهیم، صورت پذیرد. برای دستیابی به توصیف کاملی از این رویکرد، در ابتدا با نمونه‌گیری هدف‌مند از میان انواع گفتارهای شفاهی و مکتوب پناهیان نمونه مورد نظر انتخاب شد. پس از تعیین واحد و بررسی محتوا، عناصر طبقه‌بندی شدند و با مقوله‌بندی انجام شده، نتایج توصیف، استنباط و تحلیل شدند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که با هدف شناسایی و معرفی رویکردهای اسلامی تعلیم و تربیت یا تربیت دینی متناسب با فضای تعلیم و تربیت کشور تدوین شده‌اند، سه گونه‌اند؛ تعدادی از این تحقیقات تنها یک رویکرد را محور بحث قرار می‌دهند. برخی پژوهش‌ها فراتر از رویکردهای تربیت دینی، اقدام به دسته‌بندی آنها می‌نمایند و برخی دیگر فراتر از آن، انواع دسته‌بندی‌ها را توصیف و آن را نقد می‌کنند. پژوهش‌های تک‌رویکردی نیز گاه درصدد معرفی دیدگاه یک متفکر و گاه در پی ارائه یک رویکرد هستند که در بیشتر موارد نمایان‌گر دیدگاه چند متفکر است.

گونه سوم از پژوهش‌هایی که نوشتار حاضر با آن ارتباط برقرار می‌کند، تحقیقاتی است که تربیت دینی را به‌عنوان یک دانش و یا رشته علمی مورد مطالعه قرار می‌دهند. هرچند همه فعالیت‌ها علمی در گستره تربیت دینی در قلمرو دانش تربیت دینی جای می‌گیرند، اما مقصود در اینجا آثاری است که تربیت دینی را به عنوان رشته‌ای از علم تعلیم و تربیت اسلامی معرفی می‌کند. دانشی که در پی شناسایی آسیب‌های موجود در دین‌داری افراد جامعه و ارائه راهکارهای افزایش دین‌داری در چارچوب تربیت است. موارد زیر از پژوهش‌های تک‌رویکردی به‌شمار می‌آیند.

بررسی آثار نگاشته شده در تربیت دینی نشان می‌دهد در نگاهی عام تربیت دینی از موضوعاتی است که سهم قابل قبولی از پژوهش‌های قلمرو تعلیم و تربیت برخوردار نیست. در میان آثار علمی موجود در این عرصه، آن گروه که به مبانی نظری پرداخته‌اند و گروه دیگری که دیدگاه‌های اندیشمندان را مورد بررسی قرار داده‌اند، بیشتر تحقیقات کلان‌نگری هستند که به زیرساخت‌های تربیت دینی توجه کرده‌اند و شمار اندکی از پژوهش‌های موجود به توصیف و دسته‌بندی رویکردهای تعلیم و تربیت اسلامی و بسیار محدود به رویکردهای تربیت دینی پرداخته‌اند.

در تحقیقاتی که مبانی و پیشفرض‌های تربیت دینی مورد مطالعه قرار گرفته است، به مفهوم، ابعاد و عوامل دین‌داری براساس تحولات عصر جدید توجه نشده است (برای نمونه نک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸ و سبحانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳ و بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹). این کاستی، باعث ناتوانی در ارائه تصویری روزآمد از نیازهای جامعه در تربیت دینی می‌گردد. همچنین آثاری که رویکردها را مورد اشاره قرار داده‌اند، از سنجش میزان ظرفیت و توان‌مندی آنها در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه در دین‌داری غفلت کرده‌اند (برای نمونه نک: قاسم‌پور، ۱۳۹۰ و موحدی محصل طوسی و دیگران، ۱۳۹۲ و خالق‌خواه و مسعودی، ۱۳۸۹).

کاوش‌های نویسنده بیان‌گر آن است که این نوشتار اولین مقاله در معرفی و تبیین رویکرد مدیریت تمایلات و اندیشه‌های پناهیان در تربیت دینی است.

آسیب‌شناسی نظام تعلیم و تربیت کشور

از دیدگاه پناهیان وضعیت موجود تعلیم و تربیت کشور فاصله زیادی با آموزش و پرورش اسلامی دارد. او آموزش و پرورش را ناکارآمد برمی‌شمرد و معتقد است همه آسیب‌های اجتماعی موجود در کشور نتیجه این ناکارآمدی است. «تقریباً مشکلی در جامعه نیست که به ایرادهای اساسی‌ای که در نظام تعلیم و تربیت فعلی وجود دارد، ربط اساسی نداشته باشد. یعنی اگر شما مشکل کم‌نمازی یا بی‌نمازی، رشوه‌خواری در ادارات، روابط نامشروع، طلاق، پوشش‌های نامناسب، کم‌فرزندآوری و هر نوع مشکلات دیگری را در جامعه مشاهده می‌کنید، مهمترین عامل مشکلات اساسی جامعه به اشکالات اساسی‌ای که در نظام آموزش و پرورش وجود دارد برمی‌گردد» (پناهیان، ۹۷/۳، ص ۵).

محور این ناکارآمدی فقدان برداشت صحیح و ارائه نشدن تصویر درست از دین است. براین اساس دلیل اسلامی نبودن آموزش و پرورش وجود نارسایی در تربیت دینی است و ریشه این نارسایی در انتقال معرفت دینی است. آنچه به عنوان معارف دینی منتقل می‌شود برای سامان‌بخشی به زندگی و رهایی از آسیب‌ها کارآیی ندارد. پناهیان (همان، ص ۴) بر این باور است که در واقعیت امر معارف دینی همین چیزی نیست که در جامعه ما منتشر شده است. یعنی نمی‌توان گفت که اگر معلمی هنر داشته باشد و همین معارف را به خوبی منتقل کند، کارش مؤثر واقع خواهد شد و اگر مخاطب ظرفیت و لیاقت و استعداد لازم را داشته باشد، جذب خواهد.

بسیاری از مشکلات در جامعه ما غیرطبیعی است. مثلاً این طبیعی نیست که آمار طلاق در جامعه ما این قدر بالا باشد؛ آن هم در جامعه‌ای که این قدر به معارف دینی دسترسی دارد. باید ببینیم اشکال کار در کجاست؟ در همه مدارس ما قرآن درس داده می‌شود، همه مردم اهل بیت [علیهم السلام] را دوست دارند، کلمات اهل بیت [علیهم السلام] هم در اختیار ما قرار دارد، اما با این حال شاهد چنین مشکلاتی هستیم. (همان، ص ۵). این میزان از عدم کارآمدی لزوم اندیشیدن به طرحی جایگزین برای تعلیم و تربیت کشور را برجسته می‌کند. چرا که نظام فعلی نتوانسته و نخواهد توانست برای آسیب‌های کنونی چاره‌ای بیندیشد.

براین اساس اگر یک نظام و چارچوب صحیح و حساب شده‌ای برای تعلیم و تربیت داشته باشیم، با همین جامعه و با همین امکانات به عالی‌ترین نتایج خواهیم رسید (همان). بنابراین این طرح پیشنهادی مستلزم تغییر در عناصر نظام تعلیم و تربیت کنونی، همچون معلمان، دانش‌آموزان، مدارس و روش‌های آموزشی نیست. طرح جایگزین، تغییر نگرشی است که اجرای آن در نظام تعلیم و تربیت، دست‌آوردهای چشم‌گیری را در تربیت دینی در پی خواهد داشت. همچنین

کاربرد و کارکرد این نظام جایگزین، مختص پرورش نخبگان نیست، بلکه برای عموم مردم در سطوح مختلف جامعه کاربرد دارد؛ هم کارکنان و فعالانی که در حال حاضر در عرصه تعلیم و تربیت، با بهبود برنامه‌ها کارایی بیشتری خواهند داشت و هم دانش‌آموزان علاوه بر همه تفاوت‌هایی که دارند، می‌توانند ارتقاء فوق‌العاده‌ای پیدا کنند (همان).

پناهیان نقطه‌کانونی آسیب‌های موجود را منتقل نشدن مفاهیم و معارف دینی و عدم پایبندی دانش‌آموزان به آموزه‌های دینی در زندگی معرفی کرده است. به باور او (همان، ص ۴) اگر ما معارف دینی را درست درک و منتقل می‌کردیم، باید خیلی موفق‌تر می‌بودیم. این مقدار عدم موفقیت، باید ما را وادار به بازنگری کند، بازنگری در آنچه به ذهن‌های آحاد جامعه منتقل می‌کنیم؛ چه در فضای تبلیغات عمومی و چه در فضای تعلیمات اختصاصی، به‌خصوص در مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش که دوره‌های بسیار حساسی هستند.

این تعابیر بیان‌گر آن است که هرچند پناهیان از لزوم بازاندیشی در نظام تعلیم و تربیت موجود و فاصله آن با تعلیم و تربیت اسلامی و ارائه نظام جایگزین سخن گفته، اما دغدغه اصلی او همان‌گونه که از تعابیر به‌دست می‌آید، تربیت دینی است. همان‌گونه که در مواردی به صراحت از تربیت دینی سخن می‌گوید، مانند آنجا که موضوع اصلی تربیت دینی را جهاد با نفس معرفی می‌کند؛ نه موضوعاتی مانند دوری از حسادت، تکبر، تبلی، حرص، حسرت، صداقت داشتن، مهربان بودن (پناهیان، ۹۳/۶، ص ۶). گاه، از تربیت دینی با عنوان «نظام تعلیم و تربیت دین» نام می‌برد: «خیلی از اوقات، مجموعه و منظومه‌ای از مفاهیم دینی و انسانی را در کنار هم قرار می‌دهند و آن را نظام تعلیم و تربیت دین معرفی می‌کنند. در حالیکه به عقیده بنده تا وقتی این مجموعه‌ها یا منظومه‌ها «محور واحد» پیدا نکرده‌اند، نمی‌توان آن را یک «نظام کامل» تلقی کرد» (پناهیان، ۹۷/۳، ص ۱۶). در مواردی از آموزش دین سخن می‌گوید یا در بسیاری موارد آموزش ایمان و اعتقادات دینی و مناسک و عبادات و مباحث تربیتی آن را مورد بحث قرار می‌دهد.

۱. پناهیان در برنامه تلویزیونی سمت خدا در سال ۸۸ در جلسات متعدد این موضوعات را مطرح کرده است: آثار تربیتی عبادات، آثار تربیتی روزه، اثر تربیتی دعا و تأثیرات تربیتی توبه. (نک: پناهیان ۹۲/۲، تربیت فرزند برای حرکت به سمت خدا، برگرفته از: <http://panahian.ir/post/176>). همچنین در همین برنامه در سال ۹۰ تا ۹۱، این سلسله موضوعات را مطرح کرده است: دو اقدام اساسی برای آموزش و تربیت دینی، اقدام‌های اولیه در انتقال مفاهیم دینی، انتقال مفهوم عبودیت و بندگی، اثرات عزاداری امام حسین در انتقال مفاهیم دینی، ابعاد وجود انسان و انتقال مفاهیم دینی، زیبایی‌گرایی در انتقال مفاهیم دینی، نقش علم و آگاهی در انتقال مفاهیم دینی، بعد عقلانی و انتقال مفاهیم دینی، نقش عاطفه و محبت در انتقال مفاهیم دینی، انتقال مفاهیم دینی (۱)، ایمان و انتقال مفاهیم دینی (۲)، بعد اخلاق در انتقال مفاهیم دینی، نقش عادت و انس در انتقال مفاهیم دینی، عد خیال در انتقال مفاهیم دینی، تأثیر محیط بر تربیت و اهمیت فراوان انتقال مفهوم «عبد بودن» و آثار ادب (نک: پناهیان ۹۲/۲، راه تسهیل انتقال مفاهیم دینی به کودکان و نوجوانان، برگرفته از: <http://panahian.ir/post/259>).

از آنجا که تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶)، این نوشتار براساس دلالت گفتارهای پنهان برای مفهوم تربیت دینی، اندیشه او را در ساختار این اصطلاح پیگیری می‌کند.

چیستی تربیت دینی در رویکرد مدیریت تمایلات

در تغییر نگرش به تعلیم و تربیت، بازاندیشی در تربیت دینی و بازسازی آن ضروری است. پنهان این بازاندیشی و بازسازی تربیت دینی را از مبدأ مفهوم‌شناسی آغاز کرده است. در این اندیشه تعریف تربیت دینی از مسیر بازنگری در مفهوم‌شناسی تربیت دینی می‌گذرد. از این رو رسیدن به درک صحیحی از تربیت دینی در گرو بازشناسی مفهوم «تربیت» و «دین» است. این اندیشمند معتقد است ما عموماً تلقی درستی از مفهوم تربیت نداریم و لازم است در معنای صحیح تربیت دینی تأملی دوباره داشته باشیم. حتی امروزه تعاریف رایج از دین برای برخی تلقی نادرست ایجاد می‌کند. می‌توان گفت معانی «تربیت» و «دین» به یکدیگر نزدیک می‌باشند (پنهان، ۱۳۹۲). پس هر یک از دو واژه را تعریف می‌کند تا با ترکیب آنها به مفهوم‌شناسی تربیت دینی بپردازد.

تربیت

تربیت از ماده ربوییت گرفته شده است. کاربرد تربیت درباره خداوند، گیاه و کودک شیرخوار درست است، اما کاربرد آن درباره انسان درست نیست؛ چون اصطلاح رائج تربیت با جبر همراه است. در مفهوم اصطلاحی تربیت که در علوم تربیتی مطرح می‌شود خود انسان حذف می‌شود و آن آزادی و استقلال و شأن انسانی در نظر گرفته نمی‌شود درحالی‌که در به‌کارگیری تربیت برای انسان، لازم است اختیار او مدنظر باشد. از این رو شاید به‌کاربردن واژه هدایت بهتر است (پنهان، ۱۳۸۸، ج اول). اگر در مفهوم تربیت به استقلال، اراده و آگاهی انسان توجه شود، کمک به رشد فرد در مفهوم این واژه مورد نظر قرار می‌گیرد (همان).

دین

تعریف دین به چارچوب، راه مشخص، اصول و قوانین، مشکل‌ساز است. چراکه در انسان نیاز به شکوفایی وجود دارد؛ شکوفایی استعدادها و بیرون آمدن مافی الضمیر. حال در برخورد با این ضوابط، انسان به این پرسش می‌رسد که اگر این قوانین نگذارند من به شکوفایی برسم چه؟ (همان).

درست است که دین به مجموعه‌ای از ضوابط می‌رسد، اما قبل از آن باید بگوییم دین به انسان کمک می‌کند تا به شکوفایی برسد. دین برنامه‌ای است برای کشف خود. بی‌دینی یعنی بیگانگی از خود. دین راهنمایی است برای خودشکوفایی انسان. دین تو را به خلاقیت می‌رساند و از جهتی شبیه پروردگارت می‌شوی. دین برنامه‌ایست برای خودشکوفایی انسان. راهنمایی است برای اینکه انسان در اوج آزادی به شکوفایی برسد. اگر برنامه‌ای هم ارائه می‌دهد برای این است که آزادی شما صدمه نیند. این تعریف از دین با فطرت انسان سازگارتر است. «من برای خودشکوفایی به دین نیاز دارم». همچنین این تعریف با معنای پذیرفته شده از تربیت، یعنی کمک به رشد انسان، نزدیک است. (همان). استفاده از واژه کمک کردن در تعریف برای این است که دین جنبه عملی هم داشته باشد و به‌کارگیری واژه هدایت به این معناست که خود فرد باید اقدام کند (همان).

نسبت دین با تربیت عام و خاص مطلق است. تربیت جزئی از دین است. چراکه دین شامل تأثیرگذاری بر دیگران است، یعنی تربیت را هم در بر می‌گیرد. پس تربیت عبارت است از تأثیرگذاری در دیگران به منظور رشد (تقرب الی الله) (همان).

تربیت دینی

تربیت دینی در این دیدگاه یعنی اینکه انسان همان‌گونه روی دیگران و حتی خود تأثیر بگذارد که دین در برنامه خودشکوفایی ارائه داده است. پس تربیت دینی یعنی «کمک به خودشکوفایی انسان» (همان). در تربیت دینی توجه ویژه‌ای به موضوع «فطرت» می‌شود. استقلال و آزادی که مهم‌ترین ویژگی تربیت دینی است، مبتنی بر فطرت انسانی است (همان، ج دوم).

این تعریف از تربیت دینی برپایه بازبینی است که پناهیان در مفهوم تربیت و دین ارائه می‌کند و از آنجاکه در واژه مصطلح تربیت نوعی اجبار هست، هر جا از کلمه تربیت دینی استفاده شده، مقصود هدایت است که با مفهوم «کمک به خودشکوفایی» سازگار است.

در نظام فکری پناهیان جهاد با نفس جایگاه ویژه‌ای دارد؛ جهاد با نفس هم به‌عنوان موضوع اصلی، هم راهبرد اصلی تربیت دینی مطرح شده است. موضوع اصلی تربیت دینی، جهاد با نفس است؛ نه موضوعاتی مانند دوری از حسادت، تکبر، تنبلی، حرص، حسرت، صداقت داشتن، مهربان بودن. خط عملیاتی ما، مبارزه با تمایلات نفسانی است. میزان ارزش هر کسی به میزان اهتمامی است که در جهاد با نفس دارد. میزان آلودگی و سیاهی هر کسی هم مربوط به اشتباهاتی است که در مبارزه با نفس دارد. (پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۷).

ویژگی‌های تربیت دینی

در تلاش برای تمایز تربیت دینی با غیردینی پناهیان (۱۳۸۸، ج دوازدهم) شاخص‌های تربیت دینی را مطرح می‌کند و معتقد است تربیت دینی با تربیت غیردینی ارتباط و اشتراکات زیادی دارد؛ از جمله اینکه تربیت غیردینی مقدمه تربیت دینی است. با این حال تربیت دینی دارای شاخصه‌های اصلی‌ای است که هویت آن را شکل می‌دهد و باعث تمایز آن از تربیت غیر دینی است.

از آنجا که تمرکز بر محوریت خداوند هویت تربیت دینی را شکل می‌دهد، تفاوت ماهوی تربیت دینی در دو محور اساسی است؛ تفاوت در انگیزه و روش؛ بدین صورت که انگیزه‌ها در تربیت دینی معنوی هستند و روش‌های تربیتی به صورت انحصاری در چارچوب دستورات دینی به کار گرفته می‌شوند. در نتیجه تربیت دینی دارای مجموعه‌ای از دستورات عملی، برنامه‌ها و اعمال ویژه است. در تربیت غیردینی این انحصار وجود ندارد و فهم انسان ملاک به‌کارگیری روش‌ها است. از این رو دستورات عملی، برنامه‌ها و اعمال ویژه قابل درک نیستند (همان).

علاوه بر تفاوت ماهوی تربیت دینی با تربیت غیردینی، تفاوت‌های کارکردی بین این دو نوع تربیت وجود دارد که باعث تمایز آنها می‌گردد. هدف در تربیت دینی بلند و جامع است، درحالی‌که تربیت غیردینی تک‌بعدی است و ارتفاع کمال ندارد. به عبارت دیگر تربیت دینی فراگیر است و به تمام ابعاد انسان توجه می‌کند، اما تربیت غیردینی به فراخور حال است (همان).

تربیت دینی دارای عناصری است. عنصر اصلی ایمان به خداست و برخلاف تربیت غیردینی، عقل یکی از عناصر در کنار دیگر عناصر است. یکی از نتایج ایمان به خدا حصول آگاهی‌هایی برای انسان است. از سوی دیگر علم و عمل از عناصر دیگر در تربیت دینی هستند که باعث تقویت ایمان می‌شوند. اما در تربیت غیردینی نتایجی دیگر مانند کسب پاداش عمل دنبال می‌شود. اثربخشی تربیت دینی مستلزم توجه به محوریت ایمان است. علت عدم عمل به اعتقادات و ضعف ایمان را باید در بی‌توجهی به نقش ایمان و ارزش آن پیگیری کرد که باعث تقویت نشدن ایمان می‌گردد (همان، ج چهاردهم).

در تربیت دینی ظرائفی هست که تربیت غیردینی با اتکا بر عقل از آن ظرائف برخوردار نیست. یکی از این ظرائف مفهومی است به نام عشق که در تربیت غیردینی نیست؛ تنها دین است که می‌تواند این آتش را در دل انسان ایجاد کند (همان).

مهم‌ترین ویژگی تربیت دینی این است که فرصت انتخاب را از فرد نمی‌گیرد. نتیجه این فرصت‌دهی این است که خوبی با ثبات خواهد بود و دوم اینکه با ارزش خواهد بود، نه از روی ترس و اجبار (همان، ج دوم).

در تربیت دینی تعداد و گستره بیشتری از افراد برای رشد دادن مورد توجه قرار می‌گیرند، تربیت دینی این قدرت را دارد که همه را به سمت خود بکشد. فقیر و غنی، پیر و جوان و ... در این مسیر همراه می‌شوند، مانند مناسک حج که بی نظیر است. اما دامنه شمول افراد در تربیت غیردینی کم است (همان، ج سیزدهم).

یکی دیگر از ویژگی‌های تربیت دینی که آن را از نوع غیردینی متمایز می‌سازد، ایجاد ثبات قدم در مرتبه است. این غیر از انعطاف ناپذیری است (همان).

برخی ویژگی‌ها در لابه‌لای بیان تمایز تربیت دینی از نوع غیردینی آن، بایدها و نبایدهایی را مطرح ساخته که می‌توان از آن به‌عنوان اصول تربیت دینی^۱ نام برد.

یکی از این اصول حفظ استقلال (کرامت یا انسانیت) فرداست؛ استقلال مبتنی بر فطرت انسانی، نه آزادی در بعد حیوانی. فضای عادلانه، یعنی نه اجبار در رفتار دینی و نه فراوانی محرک‌های مخرب مانند مسائل جنسی. پس هر نوع وادار کردن در تربیت دینی ممنوع است (همان، ج دوم).

از آنجا که عشق و محبت یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تربیت دینی است، اصل دیگر محبت‌ورزی است. هر مربی با محبت متریان خودش را بهتر تربیت می‌کند (همان، ج چهاردهم). یکی از ویژگی‌های کاربردی تربیت دینی در این دیگاه که تربیت دینی را از غیر دینی متمایز می‌سازد شیوه به‌کارگیری تشویق و تنبیه است. به‌کارگیری محدود تشویق و تنبیه را نیز می‌توان یکی دیگر از اصول تربیت دینی در اندیشه پناهیان برشمرد. درحالی‌که در تربیت غیر دینی تشویق و تنبیه ابزاری پر استفاده است، با توجه به اهمیت انگیزه درونی در تربیت دینی و فاصله گرفتن از اجبار، کاربست تشویق و تنبیه در تربیت دینی بسیار کم است؛ چون جبر آفرین است (همان، ج دوم).

مبانی تربیت دینی بر پایه مدیریت تمایلات

پناهیان (۱۳۹۷/۳، ص ۲۴) با برشمردن مبانی انسان‌شناختی، خداشناختی، و حیات‌شناختی برای تعلیم و تربیت، براین باور است که برای طراحی یک نظام تعلیم و تربیت باید از مبانی انسان‌شناختی شروع کنیم و اگر بخواهیم نتیجه شناخت انسان، تدوین یک نظام تعلیم و تربیتی باشد، شایسته است انسان را با بیان یک از ویژگی‌های بسیار مهمش تعریف کنیم و آن عبارت است از برخورداری از گرایشهای مختلف و مجبور به انتخاب.

۱. عنوان اصول تربیت دینی در بیان حجت الإسلام پناهیان به کار نرفته است.

انسان موجودی دارای گرایش‌های مختلف و مجبور به انتخاب

این ویژگی بسیار مهم است و هیچ ویژگی دیگری در وجود انسان به اندازه «وجود گرایش‌های مختلف» اهمیت ندارد (همان، ص ۷). مهم‌ترین دارایی انسان، قلب او است که محل تمایلات و گرایش‌های اوست. پس مهم‌ترین دارایی ما گرایش‌های ما هستند. گرایش‌های ما هستند که ما را با حیات پیوند می‌زنند و در ما انگیزه حرکت ایجاد می‌کنند، در واقع تمایلات انسان موتور محرکه وجود او هستند (پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۳۲-۳۳). چراکه لازمه گرایش، حرکت برای رسیدن به وضعیت مطلوب است تمام آنچه در وجود انسان قرار داده شده برای این است که به‌درستی برای تحقق گرایش‌ها و دستیابی به مطلوب حرکت کند (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۷).

این ویژگی در حیات و حرکت انسان هم اولیت دارد، هم اولویت. اولیت به معنای تقدم یا سبقت و اولویت به معنای برتری یا افضلیت (همان، ص ۶). «گرایش» جنس و «مختلف» فصل آن است. وجود گرایش که باعث حرکت می‌شود، در انسان، حیوان و ملائکه مشترک است. «مختلف» به معنای متنوع، متزاحم و متعارض است (همان). بنابراین هرچند دیگر موجودات در برخورداری از گرایش با انسان مشترکند، تنوع، تفاوت، تزاحم و تعارض این گرایش‌ها در انسان محور تفاوت انسان با دیگر موجودات است.

وجود گرایش‌های مختلف و متعارض زمینه پیدایش وجه تمایز دیگر انسان و یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته او را فراهم ساخته است که عبارت از سرگشتگی و لزوم انتخاب است. در ذات انسان این سرگشتگی، حیرت و انتخاب وجود دارد؛ چون همه گرایش‌ها را دوست دارد، ولی برخی از آنها با هم در تضاد و تعارض هستند و نمی‌تواند همه آنها را با هم تأمین کند. پس ناچار است بین آنها انتخاب کند. در انتخاب هم فداکاری لازم است، چون انسان همیشه مجبور است یک علاقه را به نفع علاقه دیگر قربانی کند (پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۳۳).

نیازها نیز در ضمن گرایش جامی‌گیرند؛ بدین صورت که برخی از گرایش‌های انسان معطوف به نیازهای حیاتی، برخی معطوف به نیازهای عاطفی و برخی هم مربوط به نیازهای کاذب انسان است (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۶).

در یک دسته‌بندی کلی، گرایش‌های انسان به دو گروه تقسیم می‌شود؛ علاقه‌های سطحی، آشکار و بالفعل و علاقه‌های عمیق، پنهان و بالقوه. معمولاً گروه اول را گرایش‌های غریزی و گروه دوم را گرایش‌های فطری می‌نامند. درگیری و دعوی اصلی در وجود انسان میان این دو گروه گرایش است (پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۳۳). گرایش‌هایی که سطحی‌تر هستند، زودتر درک می‌شوند. انسان آنها را تجربه می‌کند، لذت و شیرینی آنها را می‌چشد و نسبت به آنها خودآگاهی پیدا می‌کند. درحالی‌که

گرایش‌هایی که پنهان‌تر هستند، در وجود انسان عمیق‌تر و لذت بخش‌تر هستند، پس درک آنها به زمان بیشتری نیاز دارد و انسان به سادگی نمی‌تواند آنها را تجربه کند (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۷). بنابراین مخالفت با همه امیال مطرح نیست؛ چون مخالفت با تمام تمایلات امکان‌پذیر نیست، بلکه گزینش بین امیال مطرح است. وجود دو لایه در گرایش‌های انسان و حرکت برای گذر از سطحی از تمایلات برای درک تمایلات دیگر، مبنایی‌ترین ویژگی انسان‌شناختی و گزاره مرکزی و محور الگوی مدیریت تمایلات است.

عقل؛ توانایی انتخاب میان تمایلات

در دیدگاه پناهیان عقل نیرویی است که در کشاکش تمایلات متعارض به عنوان یک تمایل برتر مدیریت تمایلات را به دست می‌گیرد. کارکرد عقل هدایت به سوی تمایلات برتر است. مهم‌ترین توانایی انسان قدرت اولویت‌بندی بین تمایلات است. نام این قدرت «عقل» است. پس به‌طور خلاصه می‌توان گفت مهم‌ترین دارایی انسان تمایلات اوست و مهم‌ترین توانایی انسان عقل است (پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۳۴).

عقل خود یک تمایل فطری است که انسان را به سمت تمایلات قوی‌تر که پنهان هستند هدایت می‌کند. عقل همان چیزی است که در وجود انسان هست تا انسان بتواند به کمک آن از بین گرایش‌های خودش انتخاب کند و بر آنها تسلط یابد. عقل - برخلاف علم - قدرتی در وجود ماست. این قدرت یک گرایش است؛ گرایشی که همه گرایش‌های دیگر تحت سرپرستی او هستند. بنابراین عقل عبارت است از: میل به انتخاب برتر. گرایشی است که میل به انتخاب برتر را در ما ایجاد می‌کند. (نک: پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۷-۸). این انتقال از گرایش‌های سطحی به گرایش‌های عمیق «کمال» نام‌گذاری می‌شود (همان، ص ۷). از آنجا که عقل همیشه خواهان انتخاب میل برتر است. گرایش‌هایی را که انتخاب نمی‌کند «هوی» نام دارد که دشمن عقل هستند. «هوی» هر گرایشی است که انسان را سقوط می‌دهد (همان، ص ۸).

فعال بودن عقل از کودکی

برخلاف دیدگاهی که حیات کودک را در هفت ساله اول غریزی می‌داند، در این دیدگاه (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۸-۹) آنچه درباره عقل و نقش آن در مدیریت تمایلات گفته شده شامل دروه کودکی هم می‌شود. عقل کودک از همان ابتدا فعال است؛ چراکه تمایلاتش فعال است. میل به کنجکاوی و میل به رفع نیازهای اولیه نمونه‌هایی از تمایلاتی هستند که انسان از ابتدای کودکی به دنبال برآورده کردن آنهاست.

در واکنش به این پرسش که این رویکرد چه ارزش و جایگاهی برای آگاهی قائل است، پاسخ این است که اصلی ترین لازمه انتخاب عقل است و بعد از آن دومین گرایش «میل به آگاهی» است. ازسوی دیگر علم و آگاهی باعث رشد عقل می شود، چون عقل میل به انتخاب برتر دارد ولی مصادیق را نمی شناسد (همان، ص ۹). تجربه، علم و آگاهی فرصت شناخت مصادیق را فراهم می سازد. بر همین اساس بایستی در مدارس فرصت تجربه برای کودکان فراهم شود تا زمینه رشد عقل آنها فراهم گردد.

تغییر گرایش ها؛ تقویت و تضعیف

علاوه بر اینکه انسان به دنبال تحقق گرایش های خود است، امکان تغییر گرایش هایش را نیز دارد. تغییر گرایش با تقویت و تضعیف گرایش رقم می خورد. آنچه تغییر و تقویت گرایش ها را ضروری می سازد، وجود گرایش های پیدا و پنهان در انسان است. پنهان بودن برخی گرایش ها مستلزم اجرای دو عملیات «به فعلیت رساندن گرایش های پنهان» و «تقویت گرایش ها» است (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۱۱). تقویت گرایش ها به فعالیت در سه حیطه نیاز دارد، تقویت گرایش های همسو، تضعیف گرایش های مخالف و به کارگیری علم و آگاهی مرتبط. تضعیف گرایش نیز با تقویت ممکن می شود. بدین صورت که با شناسایی و تقویت گرایش های مثبت، کم کم گرایش های منفی ضعیف می شوند (همان).

عناصر تربیت دینی مبتنی بر مدیریت تمایلات

سامان دهی و اجرای این اندیشه ها در موقعیت های تعلیم و تربیت مستلزم طراحی برنامه درسی تربیت دینی است. در طراحی برنامه درسی درباره عناصر شکل دهنده برنامه درسی تصمیم گیری می شود (ملکی، ۱۳۸۲، ص ۲۹ و مهر محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴). از این رو در بررسی رویکرد تربیت دینی مبتنی بر مدیریت تمایلات، نقش عناصر برنامه درسی تربیت دینی مورد تحلیل قرار می گیرد. در این رویکرد همه اجزا و ابعاد تربیت دینی بر محور مدیریت تمایلات تحلیل می شوند. تربیت دینی دارای یک نظام منسجم است که هدف و محور اصلی آن مدیریت تمایلات است و طراحی همه عناصر در همین راستاست.

مبارزه با هوای نفس، رنج و لذت محور تربیت

در الگوی مدیریت تمایلات «رنج»، «لذت» و «مبارزه با هوای نفس» جایگاه ویژه ای دارد و شاکله فرایند تربیت را تأمین می کند. بسیاری از مباحث تربیتی در این دیدگاه پیرامون رنج و هوای نفس مطرح شده است، تا جاییکه پناهیان (ب، ۱۳۹۵) معتقد است هر که فلسفه رنج را نداند، در حقیقت فلسفه

انسان بودنش را درک نکرده است. رنج یعنی اتفاقی که مطابق دوست داشتنی‌های انسان نیست (پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۱۶). پس کنار زدن یا نرسیدن به برخی از تمایلات رنج است و در مقابل تأمین هر گرایش، تخیل و حرکت به سوی آن باعث لذت می‌شود. این رنج و لذت چیزی جز گرایش نیستند؛ تأمین گرایش یعنی لذت و تأمین نشدن گرایش یعنی رنج (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۱۰). وجود رنج در زندگی انسان به دو دلیل قطعی است؛ یکی به دلیل انسان‌شناختی که رسیدن به یک میل مستلزم نفی برخی امیال دیگر است و دیگری دلیل حیات شناختی که دنیای ما به گونه‌ای است که همه دوست داشتنی‌های ما را در اختیارمان قرار نمی‌دهد (همان). پس همه انسان‌ها حتی کفار در رنج آفریده شده‌اند (پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۱۸) هرچند مؤمنان با رنج به سمت خدا حرکت می‌کند (همان، ص ۳۸).

باتوجه به مفهوم و جایگاه رنج در این الگو، دین‌گریزی جوانان نتیجه عدم پذیرش رنج‌ها و محدودیت‌ها در زندگی است. کج روی و گناه جوانان ریشه در یک مشکل در نظام تربیتی دارد. مرتبی در تلاش است تا به همه تمایلاتش برسد و مدرسه این محدودیت در دستیابی به تمایلات را به او نیاموخته است. پناهیان (نک: ۱۳۹۷/۳، ص ۱۰ و ص ۱۱ و ب، ۱۳۹۵) براین باور است که کار دینی این نیست که اصول عقائد به بچه یاد بدهیم؛ این است که مدیریت رنج و لذت را به او بیاموزیم. نیاموختن این واقعیت در مدارس خیانت در حق دانش‌آموزان و فاسد کردن آنهاست. همان‌گونه که ذکر شد «هوا» تمایلاتی است که لذت‌هایش بالفعل، اما سطحی است و عقل با آنها مخالف است و آنها را بر نمی‌گزیند. در این دیدگاه مخالفت یا مبارزه با نفس عبارت است از پشتیبانی از عقل و پیگیری انتخاب آن که در تعبیر روایی «جهاد با نفس» نام گرفته است.

از آنجا که مدیریت تمایلات در این الگو به معنای مبارزه با هوای نفس است و دین نیز برنامه‌ای برای مخالفت با هوای نفس با مدیریت ولی خدا تعریف کرده است (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۱۴)، پناهیان در تلاش است همه ابعاد، عناصر و مراحل تربیتی را بر پایه مدیریت تمایلات به صورت یک نظام ارائه کند. پناهیان (نک: ۱۳۹۲/۴، ص ۱۵-۱۸ و ۱۳۹۷/۳، ص ۱۱-۱۸) مبارزه با هوای نفس را محور اصلی همه دستورات دین تلقی می‌کند و معتقد است که مانند نخ تسبیح تمام معارف و توصیه‌های دینی را به هم پیوند می‌دهد و به تحلیل رابطه برخی از این دستورات با مدیریت تمایلات یا همان مبارزه با هوای نفس می‌پردازد.

اهداف

در رویکرد مدیریت تمایلات، وجود گرایش‌های مختلف مهم‌ترین ویژگی انسان است و ویژگی‌های دیگر انسان را خداوند در وجود او قرار داده برای حرکت در مسیر رسیدن به وضعیت

مطلوب در تحقق تمایلات. بنابراین تمایلات و گرایش‌ها نقطه مرکزی وجود انسان هستند. کمال انسان در شکوفایی تمایلات است. این شکوفایی و کمال بسته به حرکت انسان از گرایش‌های سطحی به سوی گرایش‌های عمیق‌تر است. تربیت دینی وظیفه زمینه‌سازی برای حرکت از تمایلات ضعیف و آشکار به سمت تمایلات قوی و پنهان را بر عهده دارد. لازمه این حرکت آگاهی انسان از وجود این گرایش‌ها و توان‌مندی مدیریت صحیح آنهاست.

پناهیان (۱۳۹۶، ص ۴) «قدرت مخالفت با دوست داشتنی‌ها» را فراگیرترین هدف عملیاتی، در هر نوع تربیت معرفی می‌کند. بنابر این، از نظام تربیتی اسلام و تربیت دینی انتظار می‌رود که برنامه‌ای برای مدیریت تمایلات ارائه کند. آنچه در این برنامه اولویت دارد و محور جریان تعلیم و تربیت و تربیت دینی است، تربیت منش و شکل‌دهی شخصیت‌متربی برپایه مدیریت تمایلات است. بر این اساس هدف اصلی تربیت دینی افزایش توانایی مدیریت تمایلات متربیان است. مقدمه محقق شدن این هدف، آگاهی‌متربی از وجود گرایش‌های متفاوت در وجود خود است. بنابراین آگاه‌سازی متربی از وجود گرایش‌های متعدد و متزاحم، آشکار و پنهان، قوی و ضعیف برجسته‌ترین هدف میانی تربیت دینی است.

عقل نیز میل به انتخاب برتر و ابزاری برای انتخاب بین گرایش‌هاست و افزایش قدرت انتخاب یعنی رشد عقل. پس می‌توان یکی از اهداف میانی کانونی تربیت دینی را رشد عقل عنوان کرد. همچنین آگاهی‌بخشی به متربی درباره وجود تمایلات و مصادیق آن که زمینه رشد عقل را فراهم می‌سازد.

محتوا

تحلیل رویکرد تعلیم و تربیت مبتنی بر مدیریت تمایلات، قواعدی را در فرایند طراحی محتوا به دست می‌دهد. در این نوشتار قواعد اسنتباط شده در قالب اصول سازمان‌دهی محتوا ارائه می‌گردد. تنظیم محتوا بایستی به گونه‌ای باشد که ابتدا متربی را با وجود گرایش‌های مختلف در وجودش آشنا کند و سپس قدرت او در انتخاب بین گرایش‌های متنوع را تقویت کند. آگاه‌سازی متربی از وجود گرایش‌های متفاوت و افزایش توان‌مندی مدیریت و انتخاب بین آنها، نیاز به برخی تمرین‌ها دارد. پس برای دستیابی به هدف محوری تربیت دینی، طراحی تمرین‌هایی در محتوا لازم و کارگشاست.

محتوا در بردارنده معرفی سبک زندگی برپایه مدیریت تمایلات و ارائه تصویر روشنی از رنج و لذت است؛ اینکه رنج لازمه زندگی دنیا و گزینش بین تمایلات است و اینکه وجود رنج در دنیای متزاحم بین تمایلات قطعی است. همچنین لذت محقق ساختن یک تمایل رنج از دست دادن تمایل دیگر را در پی دارد. برجسته‌سازی لذت‌های گرایش‌های پنهان و زمینه‌سازی برای آشنایی عملی

متریبان با مصادیقی از رنج‌ها و لذت‌هایی که در نتیجه انتخاب بین تمایلات به دست می‌آید از دیگر ویژگی‌ها در سازمان‌دهی محتواست.

محتوا برای سامان‌دهی آگاهی‌ها در راستای تقویت عقل و برای معرفی مصادیق گرایش‌های برتر و لذت‌های بالاتر و ارائه مصادیقی از گرایش‌های متنوع موجود در انسان طراحی می‌شود. در سیر طراحی محتوا آغاز آموزش دین و نقطه شروع تربیت دینی، «دوست‌داشتنی‌های کودک» است. از بیرون از وجود کودک نمی‌توان چیزی را به او تحمیل کرد. تربیت دینی زمانی موفق خواهد بود که دین‌داری او درونی و براساس دوست‌داشتنی‌های او باشد. کودک به دنبال درک لذت‌های دین‌داری باشد.

روش‌های ارائه محتوا

در این رویکرد محتوای تربیت دینی در قالب «برنامه مدیریت تمایلات» ارائه می‌شود. کودکی که نیاز به برنامه برای تسلط بر تمایلاتش را درک کرده باشد، آموزه‌های دینی را بهترین برنامه برای مدیریت تمایلات تلقی می‌کند. احساس ضرورت داشتن برنامه برای مدیریت تمایلات، انگیزه‌ای بسیار مناسب در تربیت دینی است.

روشی که بایستی مربی در فرایند تغییر گرایش‌های متربی و جهت‌دهی او به سوی کمال به کار بگیرد، مستلزم فعالیت در سه حیطه است؛ «آگاهی‌بخشی درباره گرایش‌ها و مصادیق آن»، «تقویت گرایش‌های مطلوب» و «تضعیف گرایش‌های معارض». این فرایند سه مرحله‌ای روشی برای تغییر گرایش‌ها و جایگزینی آن در برنامه مدیریت تمایلات است.

مخالفت با هوای نفس از برنامه‌هایی است که به صورت برجسته در تربیت دینی مدنظر قرار می‌گیرد. این مخالفت بایستی برای کودک قابل درک شود. از این‌رو روش دیگری که در پیگیری تغییر گرایش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، «تمرین مخالفت با هوای نفس» است، به معنای گذر از تمایلاتی که لذت آنها آنی است و تلاش برای به فعلیت رساندن تمایلات پنهان که لذت‌های آنها در دسترس به نظر نمی‌رسد. این تمرین را می‌توان «تولید ارزش افزوده» هم نامید. انسان به صورت فطری به ایجاد ارزش افزوده تمایل دارد. به دنبال برآوردن تمایلات رفتن، بدون مخالفت با هیچ میلی، موجب ایجاد ارزش افزوده نمی‌شود. تولید ارزش افزوده بزرگ‌ترین لذتی است که انسان می‌تواند داشته باشد (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۱۸). تولید ارزش افزوده یعنی متربی برای به فعلیت رساندن یک استعداد باید با برخی از امیال بالفعل مبارزه و مخالفت کند. در این روش متربی برای تمرین تولید ارزش افزوده انگیزته می‌شود.

در این الگو تمرین‌هایی برای مبارزه با هوای نفس مانند احترام به پدر و مادر، شکر و صبر مطرح می‌گردد؛ در این میان اما اولین گام‌های عملیاتی در مسیر مبارزه با دوست داشتنی‌ها، چهار تمرین کلیدی شکر، رضایت، ترك گناه و نماز خواندن معرفی شده است. در بین این چهار تمرین نیز نماز کاربردی‌ترین تمرین مخالفت عملی با نفس و در رأس همه تمرین‌هاست.

نماز یک برنامه عملی و یک فعالیت بسیار مؤثر برای پیدا کردن قدرت مخالفت با هوای نفس است. چون تمرین مبارزه با هوای نفس در متن نماز وجود دارد، مهم‌ترین کارکرد آن مبارزه با هوای نفس است. پس نماز بهترین، اولین و مهم‌ترین راهکار برای مخالفت با هوای نفس است (نک: پناهیان، ۱۳۹۲/۴، ص ۱۴۸-۱۶۲ و پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۱۵-۲۳).

تمرین «تحمّل رنج» یا «رنج‌پذیری» یکی از روش‌های تربیتی مهم در تربیت دینی است. رنج به معنای مخالفت با هوای نفس است و از جهات مختلف دارای آثار تربیتی بسیار زیادی است؛ توجه به رنج باعث درك جایگاه دین، افزایش شکرگزاری و صبر انسان و دوری از راحت‌طلبی و مانع خیال‌پردازی می‌شود.

رنج دو گونه است؛ رنج‌های طبیعی و رنج‌هایی که انسان خود در قالب آداب می‌پذیرد. در تربیت علاوه بر دستورهایی که برای رعایت آداب صادر می‌شود، بایستی متریبان را وارد رنج‌های طبیعی کنیم. از آنجا که رنج در زندگی طبیعی تعبیه شده، بایستی فرزندان با زندگی طبیعی آشنا کنیم. برای نمونه بچه‌ها در مدرسه سختی نان پختن را تجربه کنند و یا به کوهنوردی گروهی بروند که تأثیر خوبی بر کاهش راحت‌طلبی آنها دارد (نک: پناهیان، ا، ۱۳۹۵ و پناهیان، ب، ۱۳۹۵ و پناهیان، ۱۳۹۲/۴، و پناهیان، ۱۳۹۷/۳).

یکی از دلالت‌های تربیت مبتنی بر مدیریت تمایلات در روش‌های تشویق و تنبیه متبلور می‌گردد. بر خلاف برخی نظام‌های تربیتی دیگر که به تغییر در رفتار و افزایش علم توجه می‌کنند، در این رویکرد مطلوب بودن رفتار همیشه نشان‌دهنده ارزش درونی نیست و ممکن است علت‌های دیگری داشته باشد. تشویق و تنبیه، نباید به گونه‌ای باشد که انسان را تطمیع کند تا او به ارضاء امیال سطحی و هوای نفسش اقدام کند (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۲۴). تأکید بر تغییر در رفتار و مطلوبیت آن در تربیت توجه به تشویق و تنبیه عینی و فوری را در پی دارد، درحالی‌که تشویق و تنبیه باید بر اساس ملاک‌های صحیح و حساب‌شده و غیر فوری و سیال باشد.

محیط آموزشی؛ مدرسه

در رویکرد تربیتی مدیریت تمایلات مدرسه، محیطی است برای درونی‌سازی و تقویت مدیریت تمایلات. در این مدرسه مرتبی در گذر از مراحل مختلف، ضرورت مبارزه با هوای نفس را می‌پذیرد

و راهکارهای آن را می‌آموزد. فضای آموزشی بایستی به‌گونه‌ای طراحی شود که در ابتدا زمینه‌آشنایی کودک با گرایش‌ها و تمایلات متعدد و متضاد در وجود او فراهم باشد و در مرحله بعد قدرت انتخاب را در او افزایش دهد.

در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی مدرسه‌ای، مرحله مهم فهرست کردن همه لوازم انتخاب‌مربی و اقدام متناسب با آن است. باید بدانیم چگونه دانش‌آموز را متوجه گرایش‌های متنوع وجودش کنیم که هنوز نسبت به آنها آگاهی ندارد. در مرحله بعد بایستی او را برای به‌دست آوردن قدرت انتخاب بین این گرایش‌ها تمرین‌هایی را طراحی کنیم (پناهیان، ۱۳۹۷/۳، ص ۹). مدرسه‌ای که برای تولید ثروت، برای انجام کار، برای فعالیت خلاقانه - نه فعالیت‌هایی مانند ساختن کاردستی - بچه‌ها را به زحمت نیندازد، به آنها خیانت کرده است؛ اگرچه صبح تا شب قرائت قرآن، و دعای فرج به آنها یاد بدهد (پناهیان، ۱۳۹۵، ص ۳).

براین اساس مدرسه محل اجرای تمرین‌های هدفمند است تا جایکه از نظر پناهیان (۱۳۹۷/۳، ص ۲۴) محیط مدرسه مانند پادگان است. بچه‌ها در این دوران، باید عبودیت و بندگی را تجربه کنند. دانش‌آموز در این دوران، باید مخالفت با هوای نفس را تحت تأثیر آداب، تمرین کنند. کودک بایستی با نظم و ادب رفتار کند. اینگونه نیست که آزادی داشته باشد که هر فعالیت‌ی را هر زمانی و به هر شکلی که خواست انجام دهد.

یکی از عناصر مدرسه که در رویکرد مدیریت تمایلات به عنوان یک ظرفیت تربیتی مهم مورد توجه قرار گرفته است، روابطی است که در مدرسه شکل می‌گیرد. از نظر پناهیان (۱۳۹۷/۳، ص ۲۵) نوع روابط بین معلم‌ها و مدیر مدرسه که مورد توجه و الگوپذیری دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، یکی از ابزارهای مهم و کلیدی انتقال آداب و دستورها است.

مراحل تربیت دینی مبتنی بر مدیریت تمایلات

هفت‌سال اول؛ دوران کودکی

مدیریت تمایلات از ابتدای کودکی آغاز می‌شود. پناهیان (۱۳۹۶، ص ۵) بر این باور است که دوران کودکی به معنای دوران قبل از هفت سال، مقدمه‌ای برای دوران اصلی تربیت یعنی دوران هفت تا چهارده سال است. در این دوران کودک آماده ورود به مرحله اصلی تربیت می‌شود؛ علاوه بر اینکه بخشی از آن تربیت به صورت غیر مستقیم در همین دوران اتفاق می‌افتد. گزینش و افزایش قدرت مدیریت تمایلات درگرو شناخت تمایلات است. دوره کودکی پیش از دبستان مرحله فراهم‌سازی زمینه مناسب برای رسیدن به شناخت کافی و آگاهی لازم از تمایلات است. پناهیان (۱۳۹۷، ص ۲۰) دستور به آزادی کودک در این دوره را برای تحقق همین مهم یعنی شناخت گرایش‌ها توجیه می‌کند.

برنامه تربیتی این دوره شامل سه اقدام مهم است. در گام اول هدف توسعه تمایلات کودک است. اینکه درک کند تمایلات متنوع و متکثری دارد. پناهیان (همان، ص ۲۱) این خودآگاهی را مهم‌ترین هدف راهبردی در نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر مدیریت تمایلات می‌داند.

در گام دوم هدف تجربه تمایلات است. در این دوره کودک بایستی همه تمایلاتش را تجربه کند تا احساس کمبود و محرومیتی در این زمینه نداشته باشد و محدودیت‌های دوره بعدی را راحت‌تر بپذیرد. تأکید پناهیان (۱۳۹۶، ص ۵) بر پاسخ دادن به امیال اصلی مانند استقلال طلبی، کنجکاوی، برتری طلبی، محبوب بودن و زیبایی‌گرایی است. کودک در هفت سال اول باید انواع این تمایلات را به قدر کافی تجربه کرده باشد.

پس از درک تکثر و تجربه تمایلات گوناگون، در گام سوم هدف تعقل برای انتخاب است. کودک بایستی در این دوره دست به انتخاب بین تمایلاتش بزند. پناهیان (۱۳۹۷، ص ۲۲) معتقد است از آنجا که عقل به معنای قدرت انتخاب برتر است و زمینه انتخاب برتر با اندیشه‌ورزی و تعقل فراهم می‌شود، بایستی زمینه رشد عقل کودک در این دوره فراهم شود. به هر میزان قدرت اندیشیدن و انتخاب برتر و توجه به گرایش‌های برتر رشد کند، تربیت در هفت سال دوم شرائط بهتری خواهد داشت و چنانچه بتوان شرائطی را فراهم کرد که کودک به امیال عمیق‌تر خود آگاه شود، در اینصورت دین را هم درک خواهد کرد.

محور فعالیت تربیتی در هفت سال اول، افزایش آگاهی‌ها و رشد اخلاقی نیست، هرچند آموزش اشکالی ندارد ولی اصالت ندارد و نباید کودک برای آموزش متحمل فشار شود و احساس آزادی خود را از دست بدهد و یا تأمین اقتضانات آموزش باعث سلب آزادی‌های کودکانه، ایجاد عقده و عدم شکوفایی تمایلات پایه‌ای او گردد. زیرا در اینصورت در مرحله اصلی تربیت که دوران دوم زندگی است، در رسیدن به آن توانمندی و مهارت مادر، که پایه تمام موفقیت‌های دنیوی و اخروی است، ضربه خواهد خورد (پناهیان، ۱۳۹۶، ص ۶).

بر این اساس می‌توان گفت هفت سال اول کودکی دوره آشنایی با انواع تمایلات است و در این رویکرد از آن جهت اهمیت دارد که کیفیت گذار کودک از این مرحله، تأثیر بسزایی در میزان توانایی در مدیریت تمایلات در دوره دوم دارد. دوره‌ای که پناهیان آن را مرحله اصلی تربیت برمی‌شمرد. تربیت دینی در این دوره مستلزم این است که کودک تمایلاتش را تجربه کند، با تعدد و گوناگونی آنها آشنا شود و قدرت انتخاب درست بین تمایلاتش را داشته باشد.

هفت‌سال دوم

در این دوره شناخت تمایلات متنوع و رشد عقل برای انتخاب ادامه دارد، اما تجربه تمایلات

محدود می‌شود. کل این دوره و چهار سال از دوره قبل؛ یعنی مهدکودک و دبستان زمان پرورش عقل متربی است. ادب‌ورزی محور برنامه‌های تربیتی این دوره است. در اندیشه پناهیان (۱۳۹۷/۳، ص ۲۳) هفت سال دوم دورانی است که کودک باید خودکنترلی را در فضای ادب، تمرین کند. مریبان بایستی همه رفتارهای کودک را در قالب ادب قرار دهند و تمرین‌هایی برای آن اجرا کنند.

پناهیان (همان، ص ۲۲-۲۶) ادب را برنامه منظم مخالفت با هوای نفس و مهم‌ترین راهکار این مبارزه معرفی می‌کند. تمرین ادب‌ورزی با ارائه دستور همراه است که باعث رشد عقل متربی خواهد شد. برای کاهش تلخی دستور، تا جایی که ممکن است دستورات به صورت غیرمستقیم و مربوط به قوانین محیط زندگی باشد. همچنین در انتقال دستور ابزارها و امکاناتی وجود دارد که به کار بستن آنها در کاهش تلخی دستور اثرگذار است. برخی از این موارد عبارتند از:

• جریان داشتن آداب و قوانین در الگوی رفتاری مسئولین، مریبان و معلمان، مانند احترام

مریبان به مدیر؛

• زیباسازی با اجرای آداب همگانی برای دستورات، مانند پوشیدن لباس یک‌شکل؛

• بودن در طبیعت و آشنایی با رنج‌های زندگی طبیعی، مانند تحمل مراحل مختلف پختن نان؛

• مدیریت و توسعه روابط اجتماعی در محیط تربیتی، مانند آداب روابط همسالان.

دوره دبستان در این دیدگاه، آغاز رسمی مبارزه با هوای نفس و مدیریت تمایلات است. از این‌رو پناهیان (ب، ۱۳۹۵، ص ۴) بر این باور است که دبستان محل آموزش مدیریت رنج و لذت است. آشنا نشدن کودک با مدیریت رنج و لذت که حقیقت زندگی است، تا آخر عمر غیر قابل جبران و زمینه نابودی نسل است.

در پایان این دوره و چهارده‌سالگی، نوجوان باید خودش را مسئول بداند (پناهیان، ا، ۱۳۹۲). تربیت شخصیت قوی، مقاوم، مسئولیت‌پذیر و اهل کار و تولید ثروت نیاز به تمرین سختی و ادب دارد. نماز که ادب در مقابل خداوند است، در رأس این تمرین‌هاست. سفارش دین بر امر به نماز، بر همین دوره سنی تأکید دارد و نشان می‌دهد که هفت سال دوم دوره تمرین عبودیت است (پناهیان ۱۳۹۷/۳، ص ۲۳) و بی‌نمازی دانش‌آموزان در دبیرستان‌ها نه به دلیل بی‌ایمانی است، بلکه به دلیل راحت‌طلبی‌ای است که در نظام آموزش و پرورش در دوران دبستان به بچه‌ها تحمیل شده است (پناهیان، ب، ۱۳۹۵).

درباره مرحله سوم در اندیشه پناهیان (۱۳۹۷/۳، ص ۲۳) به این توصیف بسنده شده است که متربیان در این دوره در معرض آزمون و خطا قرار گیرند، به آنها مشورت داده شود و در کارها مشورت جو باشند. اگر جوان در ۲۱ سالگی مانند یک فرد مسن محتاط باشد، به معنای آن است که به درستی تربیت شده است.

نتیجه‌گیری

وجود گرایش‌های دو لایه‌ای انسان و حرکت برای گذر از سطحی از تمایلات برای درک سطحی از تمایلات دیگر، مبنایی‌ترین ویژگی انسان‌شناختی و گزاره مرکزی و محور الگوی مدیریت تمایلات است. انسان در میان این گرایش‌ها مجبور به انتخاب است.

مدیریت تمایلات در این الگو به معنای مبارزه با هوای نفس است و دین نیز برنامه‌ای برای مخالفت با هوای نفس با مدیریت ولی خدا تعریف شده است. بنابراین جهاد یا مبارزه با نفس موضوع اصلی تربیت دینی است.

تربیت دینی وظیفه زمینه‌سازی برای حرکت از تمایلات ضعیف و آشکار به سمت تمایلات قوی و پنهان را بر عهده دارد. لازمه این حرکت آگاهی انسان از وجود این گرایش‌ها و توانمندی مدیریت صحیح آنهاست. اهداف، محتوا، روش‌های ارائه محتوا و فضای آموزشی برای افزایش قدرت مخالفت با دوست‌داشتنی و توان‌مندسازی متری برای مدیریت تمایلات است.

در مراحل تربیت دینی، در دوره اول تمرکز بر شناخت تمایلات است. پدر و مادر در خانه و مدرسه تلاش می‌کنند تا کودک با تمایلات و گرایش‌های خود آشنا شود. براساس شناختی که در این دوره ایجاد می‌شود زمینه افزایش قدرت تعقل برای انتخاب‌گری بین تمایلات و مقایسه امیال در دوره دوم فراهم می‌گردد.

دوره دوم بر پایه توجه دادن به تمایلات عمیق‌تر و پنهان‌تر پیگیری می‌شود. در این مرحله کودک بایستی به مقایسه انواع تمایلات و کنار زدن برخی امیال پردازد و نوعی از خودکنترلی مخالفت با هوای نفس است را تمرین کند. از این رو هفت‌ساله دوم دوره ادب‌ورزی است. ادب یعنی برنامه منظم مخالفت با هوای نفس.

سنین دبستان دوره تمرین عبودیت است. رشد عقل در این دوره با ادب و دستور محقق می‌شود. قدرت مدیریت تمایلات کودک در این دوره با دستور افزایش پیدا می‌کند. کودک بایستی مؤدبانه زندگی کردن در خانه و مدرسه است. تلخی دستور نباید باعث پرهیز از آن شود.

در تربیت دینی در این دوره تمرین‌هایی برای ادب‌ورزی به کودک ارائه می‌شود، مانند ادب نسبت به پدر و مادر، معلم، مهمان و سفره. این تمرین‌ها به کودک کمک می‌کند تا برای پذیرش نماز، ادب اصلی این دوره به‌عنوان ادب نسبت به خداوند مهیا گردد.

منابع

۱. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹۰.
۲. باقری، خسرو، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران جلد اول، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.
۳. بهشتی، سعید و نیکویی، روشنگر (۱۳۸۹). «کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»، روان‌شناسی تربیتی، سال ششم، ش ۱۸.
۴. پناهیان، علیرضا (۱۳۹۶). «اهداف تربیتی دوران کودکی با نگاهی به نقش خانواده و مهدکودک»، رصد، ش ۳۴.
۵. پناهیان، علیرضا، (۱۳۹۲/۲)، تربیت فرزند برای حرکت به سمت خدا، برگرفته از پیوند:
<http://panahian.ir/post/176>
۶. پناهیان، علیرضا، (۱۳۹۳/۲)، اهمیت مبارزه با نفس والدین در تربیت فرزندان، برگرفته از پیوند:
<http://panahian.ir/post/1206>
۷. پناهیان، علیرضا، (۱۳۹۷/۳)، معرفی نظام تعلیم و تربیت با محوریت مدیریت تمایلات، برگرفته از پیوند:
<http://panahian.ir/post/4745>
۸. پناهیان، علیرضا، (۱۳۹۲/۴)، تنها مسیر (راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)، برگرفته از پیوند:
<http://panahian.ir/post/769>
۹. پناهیان، علیرضا، ا، سخنرانی، «آیین بازگشایی دبستان پسرانه سراج»، ۱۳۹۵. برگرفته از پیوند:
<http://panahian.ir/post/3307>
۱۰. پناهیان، علیرضا، ب، سخنرانی، «راز عبور از رنج های زندگی و رسیدن به لذات بندگی»، ۱۳۹۵. برگرفته از:
<http://panahian.ir/post/3322>
۱۱. پناهیان، علیرضا، سخنرانی، «تأملی در معنا و مفهوم تربیت دینی»، جلسه اول، برنامه تلویزیونی سمت خدا، ۱۳۸۸.
۱۲. پناهیان، علیرضا، سخنرانی، «تأملی در معنا و مفهوم تربیت دینی»، جلسه دوازدهم، برنامه تلویزیونی سمت خدا، ۱۳۸۸.

۱۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر؛ مقالات برگزیده. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۳.
۱۵. خالق خواه، علی؛ مسعودی، جهانگیر (۱۳۸۹). «رویکرد تربیت دینی با توجه به دو مولفه عقل محوری و ایمان محوری»، مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره یازدهم، ش ۲.
۱۶. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت: تربیت دینی، ج دوم، زیر نظر علی رضا اعرافی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۷. سبحانی نژاد، مهدی، احمدآبادی آرانی، نجمه، محمدی، آزاد و اشرفی، فاطمه (۱۳۹۳). «تبیین ماهیت، ابعاد و مؤلفه های علم تربیت دینی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال هجدهم، ش ۱.
۱۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۹. قاسم پور راوندی، محسن (۱۳۹۰). «جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی»، پژوهش دینی، ش ۲۲.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد (دوره کامل سه جلدی)، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۳.
۲۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۲. ملکی، حسن، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: پیام اندیشه، ۱۳۸۲.
۲۳. موحدی محصل طوسی، مرضیه؛ مهر محمدی، محمود؛ صادق زاده، علی رضا؛ نقی زاده، حسن (۱۳۹۲). «نقد طبقه بندی های موجود از رویکردهای تربیت دینی و ارائه یک طبقه بندی مفهومی جدید»، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال سوم، ش ۱.
۲۴. مهر محمدی، محمود، برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها، چشم اندازها، مشهد: به نشر، ۱۳۸۳.